

توبه چیست؟


پرسش‌های حیاتی

آر.سی. اسپرول

توبه چیست؟

توبه چيست؟

آر.سى. اسپرول

خدمات ليگونير 

© 2014 by R.C. Sproul

Originally Published by Reformation Trust Publishing (a division of Ligonier Ministries), under the title *What Is Repentance?* Translated by permission. All rights reserved.

ISBN: 978-1-64289-053-2

عنوان کتاب: توبه چیست؟

نویسنده: آر. سی. اسپرول

مترجم: جود پراجکت، The Jude Project، و www.judeproject.rog

© ۲۰۲۱ خدمات لیگونیر

کلیه حقوق محفوظ است، هرگونه بازنویسی، اقدام به چاپ مجدد، ذخیره‌سازی در پلتفرم‌های اینترنتی و هرگونه انتقال متن به صورت الکترونیکی، دستی، عکس‌برداری، ضبط صوتی یا به هر شکلی دیگر از هر بخشی از این اثر چاپ شده بدون گرفتن مجوز کتبی ناشر، انتشارات ریفورمیشن تراست، ممنوع است. تنها استثناء نقل قول‌های کوتاه به جهت بررسی‌های چاپی این اثر است.

تمامی نقل قول‌های فارسی کتاب مقدس از ترجمه‌ی قدیم می‌باشد.

فهرست مطالب

توبه چیست؟	اول
..... ۱	
تصویری از توبه	دوم
..... ۹	
الگوی از توبه	سوم
..... ۱۷	
تولد تازه و توبه	چهارم
..... ۲۵	

توبه چیست؟

آیا تابحال از شما سؤال شده است که اگر به شما فرصتی داده شود که زندگیتان را از سر بگیرید، چه تغییراتی در آن ایجاد خواهید کرد؟ من از پاسخ افرادی که می‌گویند هیچ تغییری در زندگیشان نخواهند داد شگفت زده می‌شوم. من نمی‌توانم تصور کنم که هیچ جزئی در زندگی آنها وجود نداشته باشد که آنها مایل به تغییر آن باشند. آیا ما هیچ پشیمانی نداریم؟ مطمئناً، در قالب مسیحیانی که به گناهانمان واقف هستیم، مسرور می‌شدیم که بخش‌هایی از زندگی گذشته‌یمان را دوباره می‌زیستیم. شاید سخنانی وجود دارند که مایل هستیم آنها را پس بگیریم و یا صحنه‌های دردناکی که می‌خواهیم آنها را بازنویسی کنیم. این می‌ل درونی، به نیاز ما به توبه

اشاره دارد. درک کتاب مقدسی ما از توبه اهمیتی حیاتی دارد. نه تنها این امر در عهد جدید جنبه‌ی مرکزیت دارد، بلکه برای همه‌ی کتاب مقدس صدق می‌کند. انجیل مرقس با ظهور یحیی تعمید دهنده آغاز می‌شود، که از بیابان خارج شده و نزدیک شدن ملکوت خداوند را اعلام می‌کند. پیام او برای مردم اسرائیل بسیار سازنده بود: «و بعد از گرفتاری یحیی، عیسی به جلیل آمده، به بشارت ملکوت خدا موعظه کرده، می‌گفت: «وقت تمام شده و ملکوت خدا نزدیک است. پس توبه کنید و به انجیل ایمان بیاورید» (مرقس ۱: ۱۴-۱۵)

این مطلب در جای جای عهد جدید دیده می‌شود. زمانی که مردم به موعظه‌ی مسیح و یا رسولان گوش فرا می‌دادند، آنها غالباً می‌پرسیدند، «چه کنیم؟» و پاسخ آنها همیشه یکسان بود «به مسیح ایمان آورید،» «ایمان آورید و تعمید یابید،» و یا «توبه کنید و تعمید یابید.» از آنجایی که هسته‌ی موعظه‌ی رسولان موضوع توبه می‌باشد، بسیار مهم است که ما آن را کاملاً درک کنیم. واژه‌ی توبه برگرفته از لغت یونانی *متا نويا* می‌باشد. پیشوند *متا* می‌تواند مفهوم «به همراه» «در کنار» و یا «بعد از» را داشته باشد. واژه‌ی انگلیسی *متافیزیک* هم از آن گرفته شده است. مطالعه‌ی فیزیک، بررسی اجزائی از طبیعت که قابل رویت، قابل مشاهده، و آنچه وابسته به خواص عمومی مواد دارد، می‌باشد. *متافیزیک* تلاشی برای دسترسی به محیط ماوراء جهان فیزیکی و به جهان والا می‌باشد. ریشه‌ی نويا، شکل فعل گونه‌ی نامی است که در کتاب مقدس به صورت *نوس* دیده می‌شود. به طور ساده، این واژه به معنی «ذهن» در یونانی می‌باشد. در ساده ترین شکل، لغت *متا نويا* مفهوم

توبه چیست؟

«ماهیت ذهن پس از آن» و یا شاید بشود گفت، «تازگی ذهن» را دارد. این واژه در یونانی به معنی «تغییر عمده در ذهن شخص» می‌باشد. پس، در مفهوم بسیار ابتدایی، موضوع توبه در کتاب مقدس به معنی «تغییر ذهن یک شخص» است. با این حال، ما به زودی خواهیم دید که این تنها قضاوت فکری، مانند تغییر فکرمان پس از تلاش برای حل یک مسئله نیست. در مفهوم عمومی، متا نويا مربوط تغییر فکر یک شخص نسبت به رفتارش است. این تغییر، پشیمانی را هم به همراه خود دارد. وقتی از کاری پشیمان می‌شویم، بدین معنی است که دلمان می‌خواست که هرگز آن کار را انجام نمی‌دادیم. این حالت نه تنها تشخیص فکری شخص را دربر می‌گیرد، بلکه عکس العمل احساسی ما را هم تحت تاثیر قرار می‌دهد. احساسی که اغلب با توبه‌ی کتاب مقدسی مرتبط است، احساس ندامت، پشیمانی، و حس ناراحتی به خاطر انجام کاری است. بنابراین، توبه، غم و ناراحتی برای رفتار گذشته را شامل می‌شود.

موضوع توبه، ریشه‌های عمیقی در قوم اسرائیل عهدعتیق دارد. وقتی که محققین، درک عهدعتیق از توبه را مورد بررسی قرار می‌دهند، آنها اغلب بین دو نوع توبه فرق قائل می‌شوند. اول توبه‌ی آئینی است و دومی توبه‌ی نبوتی می‌باشد.

بیاید نخست توبه‌ی آئینی را بررسی کنیم. در روزگار ما، واژه‌ی آئینی می‌تواند بسیار گمراه کننده باشد. وقتی ما از واژه‌ی آئینی استفاده می‌کنیم، ذهن ما به گروهی حاشیه نشین که توسط معلمین دروغین هدایت می‌شوند،

توبه چیست؟

می‌اندیشد. اما واژه‌ی آیینی، در کاربرد صحیح الهیاتیش، به گروهی اشاره نمی‌کند، بلکه به الگوها و یا شیوه‌ی زندگی مذهبی یک گروه اشاره می‌کند. آئین اسرائیلیان در عهدعتیق نگاه داشتن دسته جمعی فرایض مذهبی بود. خداوند بود که آئین اسرائیل را پایه گذاری کرد. توسط قانونش، او نه تنها رفتار اخلاقی مردم، بلکه روش رفتار مذهبی‌شان را هم به همین منوال تعریف کرد. برای مثال، دستورالعملی برای دعا کردن وجود داشت. برای قربانی گذراندن، و برای خدمات هیکل نیز به همین ترتیب. اینها همه قسمت‌هایی از زندگی آئینی اسرائیل بودند.

همچنین، دستورالعمل زندگی عهدعتیق، شامل انجام بسیاری از کارها برای تسهیل توبه بود. خشم خداوند به جهت بی‌ایمانی و بی‌اطاعتی قومش، بر آنها افروخته می‌شد، و در نتیجه، آنها باید دستورالعملی را انجام می‌دادند تا خشم خداوند را از خود دور کنند. خداوند گناهان ایشان را می‌بخشید، و به همراه حضور خداوند، آرامش بر اجتماعاتشان حاکم می‌شد. مراسم توبه در عهدعتیق، دعوتی عمومی برای توبه در تجمعی رسمی را به همراه داشت. زمانی که قوم اسرائیل در بیابان بودند، در آغاز، مقابل خیمه و بعدها در مقابل هیکل گردهم آورده می‌شدند. نبی خداوند داوری خدا را بر قوم اعلام کرده و از آنها می‌خواست که روزه بگیرند. به منظور فرونشاندن خشم خداوند، برای مدتی مشخص، همه‌ی قوم با هدف روزه‌ی عمومی، از خوردن غذا پرهیز می‌کردند.

به قوم خداوند، اسرائیل، همچنین امر شده بود که نوعی لباس را بپوشند

توبه چیست؟

که نشانه ای خارجی، از توبه‌ی قلبی آنها باشد. برای مثال، ما می‌خوانیم که، مردم «پلاس و خاکستر» می‌پوشند، بسیاری از آنها لباس‌های نا-راحت می‌پوشیدند که نقش مقیاسی تنبیهی را بر عهده داشت، تحمل شرایط نا-راحت، نشانی از توبه‌ی آنها بود. بعضی‌ها ممکن بود که خاکستر را بر روی لباس‌ها و پیشانی خود بپاشند. این آیین نشانی از اکره آنها از خودشان بود. برای مثال، بعد از اینکه خداوند از میان گردباد با ایوب سخن گفت، ایوب گفت، «از این جهت از خویشتن کراهت دارم و در خاک و خاکستر توبه می‌نمایم.» (ایوب ۶: ۴۲).

به همراه تعویض لباس‌ها، نوعی سرود مخصوص وجود داشت که خوانده می‌شد. آن نوعی سوگواری بود، سرودی که حزن و اندوه را نشان می‌داد. گاهی، از سوگواری‌ها، برای مرگ اشخاص در زمان رخ دادن فاجعه استفاده می‌شد. در عهدعتیق، بعد از کتاب ارمیا، کتابی کوتاه وجود دارد به نام مراثی ارمیا، که آن هم توسط ارمیا نگاشته شده است. در این کتاب، ارمیا در مقابل خشم خداوند که بر قوم توبه ناپذیر، که در خرابی اورشلیم ظاهر می‌شود، سوگواری می‌کند. این مثالی بسیار خوب از اینگونه غمگینی‌ها برای گناه می‌باشد. ندامت و توبه‌ی واقعی باید با سوگواری ابراز می‌شد، سرودی غمگین، به همراه ناله و گریه.

علاوه بر این، دعاهای توبه‌ی مخصوص، جزئی از سیستم مذهبی اسرائیل بودند. کتاب مزامیر، به مانند کتاب سرودی برای قوم خداوند عمل می‌کرد که در قالب دعاهای شعرگونه و آهنگ‌گذاری شده بود و در قالب بخشی

توبه چیست؟

از نیایش اجتماعات اسرائیلی‌ها سروده می‌شد. آن [مزامیر] از بخش‌های مختلفی تشکیل شده است: مزامیر سوگواری، مزامیر شکرگزاری، مزامیر ملوکانه، و غیره. بعضی از مزامیر نیکویی شریعت خداوند را جشن می‌گیرند، ولی مزامیر توبه هم وجود دارند، که نوعی سوگواری بودند. مزامیر توبه، شامل اقرار وجود گناه بر ضد خداوند، قصد بازگشت از رفتار بد، و درخواستی فروتنانه از خداوند برای بازگرداندن مردم به موقعیتی که از فیض بهره مند باشند، می‌باشد. معروفترین مزمور توبه، مزمور ۵۱ است. در این مزمور، داود، اعترافات پُر احساس خود را پس از مورد سرزنش قرار گرفتن توسط ناتان نبی، برای گناهش نسبت به اوریا و بتشبع، نگاشته است.

ویژگی نهایی این زندگی آئینی، ایام توبه بود. این روزها نه تنها برای جشن و گرمی داشت و یادبود گذشته معین شده بود، بلکه همچنین برای توبه زمان‌های معینی وجود داشت که برای اقرار عمومی به گناهان و اندوه برای آن معین شده بودند، و آنها بخشی از زندگی آئینی اسرائیل را شکل می‌دادند. رفتار آئینی و مراسم عهدعتیق امکان نشان دادن، بیان کردن، و ابراز کردن اندوه قوم اسرائیل برای گناهانشان را مقدور می‌کرد. اما، امروز ما این عمل را چگونه انجام می‌دهیم؟ ما چگونه شکستگی قلبمان را نسبت به عملی که خداوند را محزون کرده است، نشان می‌دهیم؟ ما این موضوع را چگونه در زندگی کلیسای خود بروز می‌دهیم؟

در کلیسای کاتولیک، سیستم توبه، به آیین‌های کلیسایی وابسته است، ولی ظاهراً پروتستان‌ها راه خود را از نظر نشان دادن توبه، گم کرده‌اند. دعای

توبه چیست؟

یکشنبه صبح‌ها که گهگاهی خوانده می‌شود، یکی از روش‌های تسهیل شده‌ی توبه است که در آن جماعت، به صورت دسته جمعی دعا کرده و توبه می‌کنند و از خادم اطمینان بخشیده‌شدن گناهان را دریافت می‌کنند. در بعضی از شیوه‌های خاص توبه، خطر ظاهرسازی نیز وجود دارد؛ چنانچه خواهیم دید، اهمیت اصلی باید به دل‌شخص داده شود. با این حال، اغلب توان بروز توبه را نداریم. در چنین حالتی، ما، مانند مردم عهدعتیق، شاید وجود دستورالعملی برای نشان دادن تغییر قلبیمان را مفید بدانیم.

تصویری از توبه

در زمان کودکی، من عضو گروه سرایندگانِ کودکان بودم. شرکت من در گروه سرایندگان به این دلیل نبود که خود را از لحاظ مذهبی ملزم می‌دانستم، بلکه آن به دلیل اجبار والدینم بود. گروه سرایندگان خجالت آور بود، چون من مجبور بودم که قبا و ردایی سفید با طوقه‌ای بزرگ و پاپیونی سیاه بپوشم. بچه‌ها مرا لرد فانتلروی کوچک صدا می‌زدند.

ما هر دو ماه یک‌بار در قسمتی از پرستش، سرود می‌خواندیم. بخش اصلی برای بچه‌ها زمانی بود که ما سرود «خداوند را مادامی که یافت می‌شود بطلبید» را می‌سرودیم. در این قطعه‌ی خاص، سراینده‌ی تک خوان تنوری (صدای زیر مردانه) بی‌نظیری از گروه سرایندگان بزرگسال ما را همراهی

توبه چیست؟

می‌کرد. من در آن زمان مسیحی نبودم، ولی این سرود به قدری عالی سراییده می‌شد که اشعارش در فکر من ثبت شده است. سرتاسر این سرود با قدرت کلام خداوند بافته شده بود، و در حالی که سراییده می‌شد، کلمات آن در روح و ذهن من نفوذ می‌نمود.

این اتفاق چندین دهه قبل رخ داده است، اما هنوز می‌توان [آقای] دیک داد را در گوشه‌ای از گروه سرایندگان مجسم کنم که در حال سراییدن است؛ «خداوند را مادامی که یافت می‌شود بطلبید. نام او را مادامی که نزدیک است بخوانید. شریک افکارش را ترک کرده و گناهکاران راه‌های خود را ترک کنند. چون او رحمت خواهد کرد. رحمت خواهد کرد. رحمت خواهد کرد و به فراوانی خواهد آمرزید.» این کلمات مستقیماً از سخنان نبی خداوند (در این مورد، اشعیا ۵۵) گرفته شده بودند، که ارتباطی عمیق به توبه‌ی حقیقی و جایگاهش در قوم خداوند داشتند.

ما آیین یهودیان عهدعتیق که شامل آیین روزه‌داری، روز توبه، تعویض لباس‌ها، سرود سوگواری بود را مورد بررسی قرار دادیم. در طول زمان، این آداب و رسوم برای بسیاری از مردم، به ظاهرسازی خشک و خالی مبدل می‌شد. بسیار ساده به حالت توبه می‌رفتند؛ بدون اینکه حس صداقتی نسبت به آن داشته باشند. در طول قرن‌های ۷ و ۸ قبل از میلاد، انبیای بزرگی همچون عاموس، ارمیا، اشعیا، و هوشع نزد مردم آمدند تا آنها را یادآوری کنند که خداوند خواهان پشیمانی واقعی که از ته قلب باشد، است. خلاصه اینکه: مردم دعوت شده بودند که دل‌های خود را چاک زنند، نه لباس‌هایشان

را. زمانی که انبیا، مردم را به این شکل نصیحت (ترغیب و تشویق) می‌کردند، مخالف چاک زدن لباس‌ها نبودند، آنها می‌گفتند که کافی نیست که لباس خود را به نشانه‌ی توبه چاک زنی، بلکه قلب‌های شما نیز باید چاک خورده باشند. زمانی که ما متوجه می‌شویم که خداوند را از خود آزوده‌ایم، باید گسیختگی روح خود را احساس کنیم.

برای اینکه درکی بهتر از رویکرد انبیا نسبت به توبه داشته باشیم، بیایید کتاب یوئیل را بررسی کنیم. تمرکز این کتاب بر رابطه‌ی آداب و رسوم توبه و حقایقی که در پشت معانی سمبلیک این آداب و رسوم مطرح می‌باشند، است.

در فصل اول این کتاب می‌خوانیم که یوئیل از مردم درخواست می‌کند که به صورت رسمی گردهم آیند تا قوم بتواند اعلانی را از جانب خداوند بشنود. کلام خداوند که بر یوئیل بن فُتُوئیل نازل شد: «ای مشایخ این را بشنوید! و ای جمیع ساکنان زمین این را گوش گیرید! آیا مثل این در ایام شما یا در ایام پدران شما واقع شده است؟ شما از این به پسران خود و پسران شما به پسران خویش و پسران ایشان به طبقه‌ی بعد خبر بدهید. آنچه از سنِ باقی ماند، ملخ می‌خورد و آنچه از ملخ باقی می‌ماند، لنبه [نوعی آفت] می‌خورد و آنچه از لنبه باقی می‌ماند، سوس [بید] می‌خورد.» (یوئیل ۱:۱-۴).

داوری سنگینی بر قوم خداوند آمده بود. زمین از شدت خشکسالی و حمله‌ی حشراتی که محصولات کشاورزی قوم را می‌خوردند، نابود شده بود. همه‌ی این اتفاقات از دید نبی خداوند، به منزله‌ی دست خداوند برای داوری قوم

تلقی می‌شد. به همین علت، فراخوانی از قوم صورت می‌گیرد تا برگردند، و ذهن‌های خود را تغییر داده، و توبه کنند.

یوئیل می‌گوید، «ای مستان بیدار شده، گریه کنید و ای همه‌ی میگساران به جهت عصیر انگور ولوله نمایند زیرا که از دهان شما منقطع شده است.» (آیه‌ی ۵). حتی محصولات تاکستان هم از بین رفته بود، و حتی آنهایی که در حالت مدهوشی و مستی در اطراف خوابیده‌اند را هم صدا زده و بیدار می‌کند تا ببینند که لذتی را هم که از محصول تاک می‌گرفتید خشک شده است. یوئیل اعلام می‌کند که روز توبه فرا رسیده است.

در ادامه او می‌گوید، «مثل دختری که برای شوهر جوانی خود پلاس می‌پوشد، ماتم بگیرد» (آیه‌ی ۸). برای اکثر خانم‌ها، انتخاب لباس عروسی اهمیت بسیاری دارد. عروس، زمانی که مسیر [راهروی کلیسا] را طی می‌کند تا به صورت رسمی به نامزد در حال انتظارش پیوندد، مرکز همه‌ی توجهات خواهد بود. صدای شگفتی حضار زمانی که آنها خانمی را در زیباترین لباسش می‌بینند، بلند می‌شود. در اینجا، یوئیل نبی می‌گوید که اسرائیل مانند عروسی است که با لباس عروسیش آراسته نشده است، بلکه در لباس سوگواریش می‌باشد. تجسم کنید که به عروسی بروید که عروس با لباس کهنه و آویزان وارد شود. این آن تصویری است که یوئیل از آن استفاده می‌کند تا نحوه‌ی بروز توبه را نشان دهد. تصویری زیبا از سوگواری به عوض شادی.

یوئیل می‌نویسد، «کاهنانی که خادمین خداوند هستند ماتم می‌گیرند. صحرا

خشک شده و زمین ماتم می‌گیرد زیرا گندم تلف شده است و شیره خشک گردیده و روغن ضایع شده است» (آیه‌ی ۹-۱۰). در اقتصاد اسرائیل باستان، روغن اهمیت فراوانی داشت. نبی می‌گوید، «همه‌ی اقتصاد ملت ورشکست شده است. همه چیز خشکیده است. ای کشاورزان شرم کنید، و ای سازندگان شراب بیدار شوید. برای گندم و جو بیدار شوید زیرا که محصول زمین از بین رفته است و شادی و سرور ما خشکیده است.

در آیه‌ی ۱۳، باز هم دستورالعملی برای نحوه‌ی بروز دادن توبه داده شده است. «ای کاهنان پلاس در بر کرده، نوحه‌گری نمایید و ای خادمان مذبح، ولوله کنید و ای خادمان خدای من، داخل شده، در پلاس شب را بسر برید، زیرا که هدیه‌ی آردی و هدیه‌ی ریختنی از خانه‌ی خدای شما باز داشته شده است» (آیه‌ی ۱۳). توجه کنید که در این فاجعه‌ی ملی، سنگین‌ترین دعوت به توبه، به کاهنان داده شده است. آنها بودند که باید بار تقصیرات عموم را بر دوش خود متحمل شوند. انبیای اسرائیل مانند وجدان مردم عمل می‌کردند، و دعوت یک نبی از کاهنان برای توبه، وظیفه‌ی بسیار دشواری بود. زمانی که کاهنان فاسد می‌شدند، خداترسی واقعی از مردم پوشیده می‌شد. به جای آموزش مردم برای خداترسی، انبیای کذب و کاهنان فاسد، قصد داشتند که مردم را راضی نگاه دارند. به جای سرزنش مردم، سخنان دلنشین به آنها می‌گفتند. زمانی که مردم گناه می‌کردند، کاهنان به جای سرزنش آنها، هم‌رنگ مردم می‌شدند، و به جای در خطر انداختن و ناراحت کردن مردم، سعی می‌کردند که احساس خوبی را به مردم انتقال دهند. کار

آنها، ایجاد دینی خوش احساس بود. ولی یک نبی، کلام خداوند را می‌آورد و به خادمین می‌گوید، «ناله کنید، گریه کرده، لباس مندرس بر تن کنید و به خاک بنشینید».

در آیه‌ی بعدی می‌خوانیم، «روزه را تعیین نمایید و محفل مقدس را ندا کنید! مشایخ و تمامی ساکنان زمین را به خانه یهوه خدای خود جمع نموده، نزد خداوند تضرع نمایید» (آیه‌ی ۱۴). همه‌ی اینها بخشی از توبه‌ی آئینی در عهدعتیق می‌باشد. در بخش‌های بعدی می‌خوانیم، «اینک خداوند می‌فرماید، با تمامی دل با روزه و گریه و ماتم بسوی من بازگشت نمایید. و دل خود را چاک کنید نه رخت خویش را و به یهوه خدای خود بازگشت نمایید» (یوئیل ۲: ۱۲-۱۳).

مرکزیت موضوع توبه‌ی عهدعتیق در یک واژه قابل فهم می‌باشد: تولد تازه. این لغت به تکرار در لفظ مسیحیان امروزی به گوش می‌رسد و نقطه‌ی کانونی دعوت انبیا برای توبه است. هیچ کس جسماً، مسیحی به دنیا نمی‌آید. برای اینکه شخص مسیحی شود، اتفاقی باید رخ دهد که شخص عمیقاً تغییر یابد. این مسئله به تازگی ذهن (متا نويا) کتاب مقدسی ارتباط دارد، که تغییر ذهنی، تنها تغییر ادراکی شخص نسبت به موضوع خاصی نیست، بلکه تغییر و بازگشت همه‌ی زندگی شخص است. برای انبیا، توبه تنها انجام آیین مذهبی نیست، بلکه تغییر کامل روح و وجود یک شخص است.

در زندگی هر شخص نقطه‌ی تحولی وجود دارد، لحظه‌ای حیاتی که به وجود ما معنی می‌بخشد. آن می‌تواند، ملاقات با یک شخص، استخدام شدن

در شغلی خاص، یا تجربه‌ی یک فاجعه باشد. برای قوم اسرائیل، آن نقطه، لحظه‌ای بود که خداوند آنها را برگزید. خداوند به قوم، هویت داده، آنها را قوم برگزیده‌ی خود خواند، با آنها وارد عهد شد، و فرامین خاصی به آنها داد تا پیروی کنند. قوم او نیز قول دادند که خداوند را پیروی کرده، و اوامر او را اطاعت خواهند کرد، و او را با تمامی دل دوست خواهند داشت. ولی بارها، قوم از پیروی او رویگردان شدند، پس انبیا نزد آنها آمده و می‌گفتند، «شما باید بازگشت نموده و به خداوند روی بیاورید.»

قبل از اینکه گناه وارد جهان شود، زمانی وجود داشت که همه، در سر منشا آغازین، آدم، که نماینده‌ی ما در حضور خداوند بود و از اطاعت و مشارکت خداوند لذت می‌برد، متحد بودند. میلتن در کار حماسی‌اش به نام بهشت گم‌شده، در این مورد نوشت، ما بهشت را زمانی گم کردیم که به خداوند پشت نموده و به راه خود رفتیم. بنابراین، زمانی که ما مردم را برای تولد تازه دعوت می‌کنیم، بجاست که آن را «بازگشت به خانه» تلقی کنیم. بازگشت به جایی که در ابتدا، در حضور خداوند، و در مشارکت خداوند، و در فرمان‌برداری از خداوند بودیم. دعوت به توبه، دعوت به بازگشت است، دعوتی برای بازگشت به خانه.

مهم‌ترین نقطه‌ی عطف زندگی من، تولد تازه‌ام بود؛ هیچ اتفاق دیگری در زندگی‌م وجود ندارد که چنین تأثیرات عمیقی بر همه‌ی جوانب زندگی‌م داشته باشد. همه‌ی زندگی‌م تغییر یافته و زیرو رو شد. خیر، من یک شبه بی‌نقص نشده و از گناهانم خلاص نشدم. اما با این تازگی ذهن، این تغییر ذهنی،

توبه چیست؟

جهت زندگیم کاملاً تغییر یافت. قبل از تازگی ذهن، و قبل از توبه‌ی تولد تازه‌ی، زندگی شخص در حال دور شدن از خداوند است. هرچه در شرایط تغییر نیافته بمانیم، از خداوند دورتر می‌شویم. تولد تازه بدین معنی نیست که ما از گناه به کاملیت می‌رویم، بلکه اساس زندگی‌های ما تغییر می‌یابد. از لحظه‌ی تولد تازه‌ی‌مان، زندگی‌های ما به سوی دیگری پیش می‌روند، یعنی به سمت خدا.

به حیاتی‌ترین لحظه‌ی زندگی خود فکر کنید. آن، چه لحظه‌ای بود؟ چه تصمیم‌ها یا چه اتفاقاتی بودند که شما را از خداوند دور کرده اند؟ چه لحظه‌ای در زندگی شما هست که شما را به نیکویی نزدیک‌تر کرد؟ حال از خود بپرسید: آیا شما تولد تازه دارید؟ مقصد شما کجاست؟ در چه جهتی حرکت می‌کنید؟ آیا زندگی شما نیاز به بازگشت دارد؟

الگویی از توبه

در مَکِث، اثر شکسپیر، استعاره‌ای زیبا از توبه وجود دارد. خانوم مکِث، همسر جاه طلب و حيله‌گر شخصیت اصلی داستان، از عذاب وجدانش بخاطر همکاری در قتل پادشاه دانکن نابود می‌شود. در یکی از شب‌ها، در حالی که او در خواب راه می‌رود، جُرم‌هایش را به یاد می‌آورد. او با اضطراب سعی می‌کند که خون را از دستانش پاک کند. ولی صابونی چنان قوی که بتواند تقصیراتش را بشوید وجود ندارد، و او فریاد می‌زند، «لکه‌ی لعنتی پاک شو!» این تصویر پاک شدن قلب، موضوع توبه‌ی کتاب مقدسی می‌باشد. ممکن است ما وسوسه شویم که توبه را تنها از نظر بخشودگی مد نظر بگیریم، ولی آن برای پاک شدن نیز می‌باشد. ما فاسد هستیم، و باید پاک شویم. همچنین ممکن است ما وسوسه شویم که توبه را همچون گزینه‌ای افزون بر ایمان تلقی کنیم. آمرزیده شدن، نهایتاً، تنها با ایمان حاصل می‌شود. ولی

توبه چیست؟

آمرزیده شدن، توبه را نادیده نگرفته و کنار نمی‌گذارد. توبه مسئله‌ای جانبی در کتاب مقدس نیست، بلکه مرکزیت تولد تازه و آمرزیده شدن است.

مزمور ۵۱ ما را برای درک بهتر این مطلب یاری خواهد کرد. این مزمور، یکی از مزامیر توبه می‌باشد که توسط داود پس از رویارویی با ناتان نوشته شده است. ناتان اعلام کرد که داود با گرفتن بتشبع به همسری خود، و با به قتل رساندن شوهر او، بشدت گناه ورزیده است. مهم است که غم و اندوه، و ندامت قلبی داود را مشاهده کنیم، اما ما باید درک کنیم که توبه‌ی قلبی کار الهی روح القدس می‌باشد. داود به دلیل تأثیر روح القدس بر اوست که توبه می‌کند. نه تنها این، بلکه زمانی که این دعا را می‌نویسد، تحت تأثیر و الهام روح القدس است که آن را به تحریر در می‌آورد. روح القدس در مزمور ۵۱ نشان می‌دهد که او، چگونه توبه را در دل‌های ما به ثمر می‌رساند. پس، درحالی که این مزمور را بررسی می‌کنیم، این موضوع را در ذهن خود داشته باشید.

مزمور ۵۱ اینگونه آغاز می‌شود: «ای خدا به حسب رحمت خود بر من رحم فرما. به حسب کثرت رأفت خویش گناهانم را محو ساز» (آیه ۱). در اینجا، اصلی را مشاهده می‌کنیم که اساس توبه است. معمولاً زمانی که شخص متوجه گناهش شده و از آن برمی‌گردد و به سوی فیض خداوند پناه می‌آورد. اولین ثمره‌ی یک توبه‌ی واقعی آگاهی شخصی به نیاز حیاتی او به بخشش است. داود از خداوند درخواست عدالت نمی‌کند. او می‌داند که اگر خداوند بر حسب عدالتش رفتار کند، بلافاصله نابود خواهد شد. در نتیجه، داود اعترافش را با درخواست بخشش آغاز می‌کند.

زمانی که داود از خداوند می‌خواهد که لکه‌های عصیانش را پاک کند، او از خداوند می‌خواهد که ناپاکی‌ها را از روحش زدوده، ناعدالتی‌هایش را بپوشاند، و گناهی را که اینک بخشی از زندگی دائمیش می‌باشد را بشوید. پس او می‌گوید، «مرا از عصیانم به کلی شست و شو ده و از گناهم مرا طاهر کن!» (آیه ۲).

موضوعات آمرزیدگی و پاک شدن با هم مرتبط هستند، ولی آنها یکی نیستند. در عهدجدید، یوحنا ی رسول می‌نویسد، «اگر به گناهان خود اعتراف کنیم، او امین و عادل است تا گناهان ما را بیامرزد و ما را از هر ناراستی پاک سازد» (اول یوحنا ۱: ۹).

در حالت توبه، ما نه تنها برای اعتراف گناهان به حضور خدا می‌رویم، و نه تنها از او می‌خواهیم که ما را ببخشد، بلکه تا ما را نیرو بخشد تا از تکرار نمودن آن گناه اجتناب ورزیم. به مانند داود در این مزمور، ما مایل هستیم که تمایلاتمان نسبت به شرارت‌ها از بین بروند.

در ادامه داود می‌گوید، «زیرا که من به معصیت خود اعتراف می‌کنم و گناهم همیشه در نظر من است» (مزمور ۵۱: ۳). این یک تصدیق مقصر بودن ساده نیست. او مردی وجدان زده می‌باشد؛ او می‌گوید، «می‌دانم که گناهکارم.» او قصد ندارد که گنااهش را کوچک جلوه دهد. او قصد ندارد که خود را عادل بشمارد. درحالیکه ما، اغلب، استاد توجیه تقصیر و تبرئه کردن خود با ارائه‌ی همه نوع دلیل برای رفتار گناه آلود خود هستیم. ولی در این متن، با قدرت روح‌القدس، داود به جایی می‌رسد که در مقابل خداوند به صداقت

توبه چیست؟

رفتار می‌نماید. او تقصیر خود را بر گردن می‌گیرد، او متوجه است که گناه او همیشگی است. او نمی‌تواند از دست گناهش خلاص شود، و این امر وجدان او را می‌آزارد.

سپس او فریاد برمی‌آورد، «به تو و به تو تنها گناه ورزیده، و در نظر تو این بدی را کرده‌ام» (آیه‌ی ۴). داود در اینجا، به نوعی مبالغه می‌کند. او نسبت به خانواده‌ی اوریا و دوستانش، بتشیع و همهی قوم خدا، مرتکب گناه بزرگی شده است. ولی داود متوجه است که در نهایت، گناه، بی‌حرمتی نسبت به خداست، چون خداوند تنها شخص کامل هستی می‌باشد. همانگونه که خداوند قاضی آسمان و زمین است، همهی گناهان به معنی تخطی از قانون خداوند و بی‌حرمتی نسبت به قدوسیت او است. داود این امر را می‌داند و آن را بیان می‌کند. او واقعیت گناهش نسبت به انسان را کوچک جلوه نمی‌دهد، بلکه او متوجه نتیجه‌ی نهایی گناهش نسبت به خدا می‌باشد.

پس او مطلبی را ذکر می‌کند که اغلب نادیده گرفته می‌شود. و آن در قسمت دوم آیه‌ی ۴ می‌باشد که قوی‌ترین جلوه‌ی توبه‌ی حقیقی است که می‌توان در کتاب مقدس آنرا یافت کرد: «تا در کلام خود مصدق گردی و در داوری خویش مزکی شوی» (آیه‌ی ۴). داود در واقع می‌گوید، «ای خداوند، تو حق داری که مرا داوری کنی، و کاملاً روشن است که من هیچ حقی ندارم جز اینکه مورد خشم و داوری تو قرار گیرم.» داود تصدیق می‌کند که خداوند پاک و بی‌لکه بوده و حق دارد که او را مورد داوری قرار دهد. جای هیچ تخفیف و چانه زنی وجود ندارد.

«اینک در معصیت سرشته شدم و مادرم در گناه به من آبتن گردید. اینک به راستی در قلب راغب هستی. پس حکمت را در باطن من به من بیاموز» (آیه‌های ۵-۶). خداوند نه تنها از ما راستی می‌خواهد، بلکه او راستی قلبی ما را خواهان است. داود تصدیق می‌کند که در انجام اوامر خداوند لغزش خورده است و اطاعت‌های او اغلب تشریفات ظاهری است و نه عملی که از مرکز وجودش جاری شده باشد.

سپس داود بازهم برای پاک شدن فریاد بر می‌آورد: «مرا با زوفا پاک کن تا طاهر شوم. مرا شستشو کن تا از برف سفیدتر گردم» (آیه‌ی ۷). ما می‌توانیم ناچاری را در صدای داود احساس کنیم. داود نمی‌گوید، «خداوند، یک دقیقه صبر کن. قبل از اینکه سخنانم را در دعا بگویم، باید دستانم را بشویم.» داود می‌دانست که توان دور نمودن ناپاکی‌های تقصیراتش را ندارد. او نمی‌تواند چیزی را جبران کند. ما هم باید مانند داود بپذیریم که قادر به کفاره نمودن گناهان خود نیستیم.

بعدها خداوند توسط اشعیا نبی این وعده را می‌دهد، «خداوند می‌گوید بیایید تا با همدیگر محاجه نماییم. اگر گناهان شما مثل ارغوان باشد مانند برف سفید خواهد شد و اگر مثل قرمز سرخ باشد، مانند پشم خواهد شد» (اشعیا ۱: ۱۸). زمانی که خداوند ما را ناپاک می‌یابد، از پاک کردن ما خوشنود می‌شود.

سپس داود می‌گوید، «شادی و خرمی را به من بشنوان» (مزمور ۵۱: ۸). توبه کردن دردناک است. چه کسی از اعتراف به گناه و اقرار تقصیراتش لذت

می‌برد؟ احساس تقصیر قوی‌ترین نابود کننده‌ی شادی است. در حالی که داود در لحظه‌ای که خوشی چندانی نداشت، از خداوند می‌خواهد که روح او را احیاء کرده و شادی و خرمی او را باز گرداند. او این نکته را در قالب این سخنان ابراز می‌کند، «تا استخوان‌هایی که کوبیده‌ای به وجد آیند» (آیه‌ی ۸). جالب نیست؟ او می‌گوید، «خداوندا، مرا خُرد کرده‌ای. استخوان‌هایم شکسته شده است؛ شیطان، و یا یوناتان استخوان‌هایم را خرد نکرده‌اند، بلکه تو، زمانی که مرا بر تقصیرم واقف ساختی، استخوان‌هایم را خرد نمودی. پس، من همچون مردی شکسته در مقابل تو می‌ایستم، و تنها زمانی می‌توانم ادامه دهم که تو مرا شفا داده و شادی و خرمی مرا به من بازدهی.»

در ادامه می‌گوید، «روی خود را از گناهانم بپوشان و همه‌ی خطایای مرا محو کن. ای خدا دل طاهر در من بیافرین و روح مستقیم در باطنم تازه بساز» (آیه‌های ۹-۱۰). تنها طریقی که می‌توان دلی طاهر داشت، خلقت تازه‌ی الهی است. من از ایجاد آن ناتوان هستم. تنها خدا می‌تواند دلی طاهر خلق کند، و او دل طاهر را با پاک کردن لکه‌های گناهان ما خلق می‌کند.

داود سپس فریاد برمی‌آورد، «مرا از حضور خود مینداز، و روح قدوس خود را از من مگیر» (آیه‌ی ۱۱). داود متوجه است که این بدترین اتفاقی است که می‌تواند بر یک گناهکار رخ دهد. او می‌داند که خداوند، حقیقتاً، ما را از حضور خود بیرون خواهد راند اگر در حالتی توبه نکرده بمانیم. عیسی، به کسانی که او را نمی‌پذیرند هشدار می‌دهد که آنها برای همیشه از خداوند منقطع خواهند شد. ولی دعای توبه، مأمنی برای ایمان‌داران و عکسل‌العمل

خداترسانه‌ی شخصی است که از موقعیت گناهکاری خود آگاه می‌باشد. این نوع عکس‌العمل باید زندگی همه‌ی کسانی که تولد تازه یافته‌اند را در برگیرد. در ادامه داود می‌گوید، «شادی نجات خود را به من بازده و به روح آزاد مرا تایید فرما. آنگاه طریق تو را به خطاکاران تعلیم خواهم داد، و گناهکاران بسوی تو بازگشت خواهند نمود» (آیه‌های ۱۲-۱۳). ما اغلب می‌شنویم که مردم مایل نیستند که با مسیحیان معاشرت کنند چون رفتار از خود راضی و مغرورانه‌ای دارند. ولی نباید اینطور باشد. مسیحیان دلیلی برای فخرفروشی ندارند؛ ما مردمی عادل نیستیم که سعی می‌کنند که خطاهای دیگران را اصلاح کنند. به قول یک واعظ که می‌گفت، «بشارت یعنی اینکه گدایی به گدای دیگر می‌گوید که از کجا می‌تواند نان دریافت کند.» مهم‌ترین فرق یک ایمان‌دار و شخص غیر ایمان‌دار در بخشودگی است. تنها چیزی که شخص را خادم مسیحی می‌کند این است که شخص درمی‌یابد که گناهکار است و او مایل است که این را به دیگران اعلام کند.

«خداوندا لب‌هایم را بگشا تا زبانم تسبیح تو را اخبار نماید. زیرا قربانی را دوست نداشتی وَاِلا می‌دادم. قربانی سوختنی را پسند نکردی. قربانی‌های خدا روح شکسته است. خدایا دل شکسته و کوبیده را خوار نخواهی شمرد» (آیه‌های ۱۵-۱۷). اینجاست که دل و روح توبه‌ی نبوتی را آنچنان که در فصل گذشته دیدیم، مشاهده می‌کنیم. ذات توبه‌ی خدا ترسانه در جمله‌ی «خدایا دل شکسته و کوبیده را خوار نخواهی شمرد» دیده می‌شود. داود می‌گوید اگر توان کفاره‌ی گناهانش را داشت، آن کار را انجام می‌داد؛ واقعیت

امر این است که تنها امید او این است که خداوند او را بر حسب فیضش خواهد پذیرفت.

کتاب مقدس به صورت صریح اشاره کرده و به صورت غیر مستقیم نشان می‌دهد که خداوند در برابر مغروران می‌ایستد، و فروتنان را فیض می‌بخشد. داود این حقیقت را می‌داند و با اینکه شکسته دل است، ولی خداوند را می‌شناسد و می‌داند که خداوند چه برخوردی با اشخاص توبه کار دارد. او می‌داند که خداوند هرگز دل شکسته و خرد شده را ترد نمی‌کند. این همان چیزی است که خداوند از ما می‌خواهد. این همان چیزی است که مسیح در زمان اعلام خوشبحال‌ها در نظر داشت، «خوشبحال ماتمیان، زیرا ایشان تسلی خواهند یافت» (متی ۵: ۴). این آیه در مورد ماتم برای از دست دادن عزیزان نیست، بلکه در مورد ماتم برای گناهان سخن می‌گوید. عیسی به ما اطمینان می‌دهد که زمانی که برای گناهانمان ماتم می‌گیریم، خداوند با روح قدوسش ما را آرامش خواهد بخشید.

من پیشنهاد می‌کنم که همه‌ی مسیحیان مزبور ۵۱ را حفظ کنند. این مزبور الگوی کاملی از توبه‌ی خدا ترسانه می‌باشد. من، در بسیاری موارد در زندگی‌م، نزد مسیح آمده و گفته‌ام، «قلبی طاهر در من ایجاد کن»، و یا، «عصیانم را پاک نما. مرا با زوفا بشوی. مرا شسته و پاک نما.» خیلی وقت‌ها دعا کرده و گفته‌ام، «شادی نجات را به من بازگردان»، و فریاد بر آورده‌ام، «در حضور تو تنها گناه کرده‌ام.» وقتی بر تقصیراتمان ملزم شده‌ایم، تنها کلمات، قادر به ابراز توبه‌هایمان نیستند. در چنین شرایطی، به راستی کلمات کتاب مقدس مانند برکتی حقیقی بر لب‌هایمان عمل می‌کنند.

تولد تازه و توبه

قرن‌ها پیش، آگوستین قدیس با دعایی ساده، جنجال به پا کرد. آگوستین اینگونه دعا کرد، « قدرت انجام اوامرت را عطا فرما، و هرچه اراده‌ات می‌باشد امر فرما.» همتای الهیاتی مشهور آگوستین، پلاجیوس از این دعا خشنود نبود، و به آن عکس‌العملی منفی نشان داد. او می‌گفت که اگر خداوند چیزی را امر می‌کند، منطبق ایجاب می‌کند که بدون هیچ کمکی از خداوند، ما قدرت انجام آن فرمان را داشته باشیم.

اما آگوستین متوجه آنچه پلاجیوس نمی‌پذیرفت بود، که ما مخلوقاتی فرو افتاده هستیم، و از زمان سقوط، از لحاظ اخلاقی قادر به انجام همه‌ی دستورات خداوند نیستیم. سقوط، ما را تا تراز توانایی‌هایمان آلوده کرده است. برای مثال، خداوند، اطاعت مطلق را امر کرده است، چه کسی بین ما قادر به ارائه‌ی چنین اطاعتی به خدا است؟ خداوند می‌فرماید که مقدس باشید

توبه چیست؟

چنانکه او مقدس است. ولی ما نامقدس هستیم؛ در قالب مخلوقات فرو افتاده، ما قدرت اخلاقی برای قدوسیت را در خود نداریم. کتاب مقدس می‌گوید که ما نه تنها زیر قدرت گناه هستیم، بلکه زیر داوری شریعت نیز. گناه به شکل یک گیره به قلب‌های ما بسته شده است. این زمانی آشکار می‌شود که بعنوان مسیحیان، با گناه خاصی به کرات در مجادله هستیم.

یکی از بزرگ‌ترین موضوعات عهدجدید این است که خداوند، در فیض خود، ما را قادر می‌سازد که احکامش را اطاعت کنیم. نخستین حکم او این است که توبه کنیم. این پیام یحیای تعمید دهنده و عیسی در آغاز خدمت‌شان بود. ولی چگونه می‌توانیم توبه کنیم در حالی که کاملاً تحت کنترل گناه هستیم؟ توبه‌ی واقعی رخدادی است که توسط روح‌القدس در ما صورت می‌گیرد. توبه‌ی واقعی بخششی از جانب خداوند است. مشاهده کردیم که توبه و تولد تازه غیر قابل تفکیک هستند. اگر ایمان را در عهد جدید، که شرط اول توبه است بدقت بررسی کنیم، در خواهیم یافت که توبه مکمل ایمان است. اگر شخصی ایمان داشته باشد ولی توبه نکند، ایمان آن شخص واقعی نیست. آن شخص اجزاء لازم برای رستگاری را ندارد؛ خلقت تازه حاصل ایمان و توبه است.

عهدجدید تعلیم می‌دهد که ایمان هدیه‌ی خداوند است. ایمان با قدرت خودمان تولید نمی‌شود، بلکه کار روح‌القدس است. این امر «تولد تازه» «خلقت تازه» نام دارد. اگر از صد نفر مسیحی سؤال کنیم، «کدام بر دیگری مقدم است، خلقت تازه، یا توبه؟» به گمانم نود درصد آنها پاسخ خواهند داد، توبه قبل از خلقت تازه رخ می‌دهد. با این وجود، مردمی که در گناه

خود مرده‌اند و خود را به طور طبیعی مایل می‌سازند تا توبه کنند، این امری بی‌معنی است. عهد جدید به ما می‌آموزد که خداوند روح‌القدس، ابتدا به روح‌های ما جان داده، ما را از لحاظ روحانی زنده می‌کند، و حاصل کار، توبه‌ی خداترسانه و ایمان است.

به افسسیان ۲: ۱-۲ توجه کنید: «و شما را که در خطایا و گناهان مرده بودید، زنده گردانید، که در آنها قبل، رفتار می‌کردید.» پولس، مسیحیان افسس را خطاب قرار داده و یادآوری می‌کند که چه کاری خداوند، در فیضش، برای آنها انجام داده است. پولس تأکید می‌کند که اگر شما مسیحی هستید، خداوند شما را [از لحاظ روحانی] زنده کرده است. چه زمانی؟ زمانی که او به شما حیات بخشید. او نه جسم شما را بلکه روح شما را از مردگان برخیزانید. شما در گناهانتان مرده بودید. پولس می‌گوید، «در گذشته، شما از نو مولود نگشته بودید، اما خداوند شما را از سرنو مولود ساخت. در گذشته شما مرده بودید. خداوند شما را از مردگان برخیزانید. خداوند شما را برای خود زنده ساخت.

پولس می‌نویسد، «که در آنها قبل، رفتار می‌کردید بر حسب دوره‌ی این جهان بر وفق رئیس قدرت هوا یعنی آن روحی که الحال در فرزندان معصیت عمل می‌کند.» (آیه‌های ۱-۲). او شیوه‌ی زندگی اشخاصی که تولد تازه نیافته‌اند را تشریح می‌کند و توضیح می‌دهد که این، شرایطی است که ایمان‌داران افسس در آن می‌زیستند.

اکثر مسابقات، مانند دوی ماراتون، مسیری دارند که محدوده‌ی آن مشخص شده است. اگر در مسابقه شرکت می‌کنید، باید در مسیر آن پیش بروید.

پولس می‌گوید که همه‌ی ما که خلقت تازه یافته‌ایم، در مسیری مشخص پیش می‌رفتیم، مسیر این جهان. ما قادر به در پیش گرفتن مسیری دیگر نبودیم. این، مرا به یاد مزمور ۱ می‌اندازد:

«خوشابحال کسیکه به مشورت شریران نرود و به راه گناهکاران نایستد، و در مجلس استهزا کنندگان ننشیند؛ بلکه رغبت او در شریعت خداوند است و روز و شب در شریعت او تفکر می‌کند. پس مثل درختی نشانده نزد نه‌های آب خواهد بود، که میوه خود را در موسمش می‌دهد، برگش پژمرده نمی‌گردد و هر آنچه می‌کند نیک انجام خواهد بود. شریران چنین نیستند، بلکه مثل کاهند که باد آن را پراکنده می‌کند.» (مزمور ۱: ۱-۴).

تفاوت بین اشخاصی که خوشابحال‌ها نصیبشان می‌شود و شریران در این است که گروه اول به طریق آسمانی راه می‌روند و نه بر حسب راه‌های این جهان. پولس بر تمایلات مشابهی در افسسیان تأکید می‌کند. تفاوت مشخصی بین زندگی شخص خلقت تازه یافته و شخص بدون خلقت تازه وجود دارد. شخص بدون خلقت تازه از نظر روحانی مرده است، و بر طبق راه‌های این جهان گام برمی‌دارد.

قبل از اینکه ما از نو مولود گردیم، هرچه را که شیطان از ما می‌خواهد انجام می‌دهیم. ما هم‌پیمانان قلمروی پادشاهیش هستیم و دستوراتش را اطاعت می‌کنیم. ما بر طبق ارزش‌ها و سیستم این جهان [شیطان] یا به عبارتی، آنچه پولس تعلیم می‌دهد، «روحی که الحال در فرزندان معصیت عمل می‌کند می‌باشیم.» (افسسیان ۲: ۲). پولس این موضوع را شفاف می‌کند که این گذشته‌ی همه‌ی ما را شامل می‌شود: «که در میان ایشان، همه‌ی ما نیز

در شهوات جسمانی خود قبل از این زندگی می‌کردیم و هوس‌های جسمانی و افکار خود را به عمل می‌آوردیم و طبعاً فرزندان غضب بودیم، چنانکه دیگران.» (آیه‌ی ۳). پولس می‌گوید که همه‌ی ما، به طور طبیعی، فرزندان غضب می‌باشیم. هیچ کسی مسیحی به دنیا نمی‌آید. برای اینکه شاگرد مسیح شویم، باید ذهنی نو (متا نويا) داشته باشیم، تغییر ذهنی که در توبه متجلی می‌شود. ما باید از مرگ روحانی برخیزانده شویم.

با اینحال، پولس ما را در اعماق ناامیدی رها نمی‌کند. دو واژه‌ی بعدی «اما خداوند» پر جلال‌ترین لغات کتاب مقدّس هستند. «لیکن خدا که در رحمانیت، دولت‌مند است، از حیث محبت عظیم خود که با ما نمود، ما را نیز که در خطایا مرده بودیم با مسیح زنده گردانید.» (آیه‌های ۴-۵). این موضوع مهمی است. اینگونه نیست که او ما را پس از اینکه به او مایل گشتیم، زنده گردانید. پولس به ترتیب زمانی فرایند زنده کردن اشخاص توسط خدا اشاره می‌کند. مسیحیان توسط دولت‌مندی فیض خداوند زنده گردانیده شده‌اند. چه زمانی؟ زمانی که در خطایا مرده بودیم. پولس تعلیم می‌دهد که خلقت تازه، متبدل شدن مرگ روحانی به حیات روحانی است. این کاری است که تنها خداوند قادر به انجام آن است، و این کار را زمانی انجام می‌دهد که هیچ امیدی برایمان نیست. اگر شما شخصی هستید که تولد تازه یافته‌اید، خلقت تازه‌ی شما به دلیل عادل بودن درونی شما نیست. شما تولد تازه یافته‌اید چون خداوند شما را از نو مولود ساخته است. در ادامه پولس می‌نویسد: «لیکن خدا در رحمانیت، دولت‌مند است، از حیثیت محبت عظیم خود که با ما نمود، ما را نیز که در خطایا مرده بودیم با مسیح زنده گردانید، زیرا که

محض فیض نجات یافته‌اید. و با او برخیزانید و در جای‌های آسمانی در مسیح عیسی نشانید. تا در عالم‌های آینده دولت بی‌نهایت فیض خود را به لطفی که بر ما در مسیح عیسی دارد ظاهر سازد. زیرا که محض فیض نجات یافته‌اید، بوسیله‌ی ایمان و این از شما نیست بلکه بخشش خداست.» (آیه‌های ۴-۸).

در سطر آخر این نوشته‌ی پر جلال به چه چیزی رجوع می‌کند؟ در ساختار این متن، تنها یک چیز وجود دارد که «این» می‌تواند به آن رجوع کند: آن همه‌ی جمله‌ی پیشین است. «این» نه تنها اشاره به «فیض» یا «نجات» دارد بلکه به «ایمان» نیز. محض فیض نجات یافته‌اید، بوسیله‌ی ایمان، و این ایمان چیزی نیست که شما ایجاد کرده باشید. بلکه، هدیه‌ی خداست.

در قدم بعدی پولس می‌گوید که ایمان ما «نه از اعمال تا هیچ‌کس فخر نکند.» (آیه‌ی ۹). ما هرگز نمی‌توانیم به خاطر تولد تازه‌ای که داریم فخر بفروشیم، چون خلقت تازه کار خداوند است. اگر سوالی باقی مانده باشد، پولس در ادامه می‌گوید، «زیرا که صنعت او هستیم، آفریده شده در مسیح عیسی برای کارهای نیکو.» (آیه‌ی ۱۰). ما توسط خود یا کارهای نیکوی خود تولد تازه نیافتیم. ما صنعت دست مسیح هستیم. مسیح ما را حالت می‌دهد و برای کارهای نیکو حاضر می‌کند. کارهای ما محصول تولد تازه‌ی مان هستند. آیا تولد تازه دارید؟ جهت زندگیتان که در آن می‌دوید، مسیری مطلق دارد. چه مسیری است؟ آیا طریق خداوند را می‌پیمایید، یا طریق این جهان را؟ آیا شادی شما در انجام اراده‌ی خداوند است؟ آیا اثری از شکل دادن، و به قالب در آوردن زندگیتان، توسط مسیح وجود دارد؟ یا شاید شما هنوز نسبت به امور الهی سرد و نسبت به مسیح بیگانه هستید؟ آیا شما از آن

دسته آدم‌ها هستيد که می‌گویند، «خوب، ممکن است که چیزی پُر معنا در مسیحیت پیدا شود، و شاید مسیح نقش عصا را برایتان ایفا می‌کند، ولی می‌گویید من به مسیح نیازی ندارم»؟ اگر این چنین سخنانی را ذکر می‌کنید، منظور شما این است: «من او را نمی‌خواهم. من در زندگی جایی برای او ندارم. من می‌خواهم روحم را خودم شکل دهم و سرنوشتم را حکاکي کنم.» سخنان فوق، سخنان دل‌اشخاصی هستند که خلقت تازه ندارند. آنها نمایانگر روح‌های مرده‌اند.

اما برکتی بزرگ‌تر از حالت گرفتن، شکل داده شدن، و صنعت دستان ملایم مسیح واقع شدن وجود ندارد. برای همین آگوستین این‌گونه دعا کرد: «قدرت انجام اوامرت را عطا فرما، و هرچه اراده‌ات می‌باشد امر فرما». اگر می‌دانید که باید توبه کنید، ولی قادر به ایجاد تمایل به توبه در خود نمی‌باشید، دعا کنید که خداوند کار توبه را در شما آغاز کند، چون تنها شخصی که می‌تواند توبه‌ی حقیقی را در شما ایجاد کند، خداوند است. خداوند ما را بر گناهانمان ملزم می‌سازد. خداوند ما را نسبت به تقصیراتمان بیدار می‌کند. اگر خداوند ما را خُرد کرده و ماتمی خداترسانه در ما ایجاد کند، این کار، فیض مطلق اوست. این عمل فیض بخش اوست تا ما را به ایمان و خلقت نو هدایت کند.

درباره‌ی نویسنده

دکتر آر. سی. اسپرول بنیان‌گذار خدمات لیگونیر، کشیش ارشد و پایه‌گذار کلیسای سنت اندرو در سنفورد واقع در فلوریدا، اولین رئیس ریفورمیشن بایبل کالج، و ویراستار ارشد مجله **تیبیل تاک** است. برنامه رادیویی وی با عنوان **تجدید بنای ذهن** هنوز به صورت روزانه در صداها ایستگاه رادیویی سراسر جهان و همچنین به صورت آنلاین پخش می‌شود. او نویسنده بیش از یکصد کتاب است، از جمله: **قدوسیت خدا، برگزیده‌ی خدا، و همه الهی‌دان هستند**. او در سراسر جهان مشهور به دفاع از عدم تحریف کتاب‌مقدس و ترویج این آموزه است که مومنان به خداوند باید اعتقاد راسخ به کلام خدا داشته باشند.

خدمات لیگونیر

خدمات لیگونیر، یک سازمان شاگردسازی مسیحی بین‌المللی است که توسط دکتر آر. سی. اسپرول در سال ۱۹۷۱ بنیان نهاده شد برای اعلان، تعلیم و دفاع از قدوسیت خدا در کاملیت آن به تعداد هرچه بیش‌تری از انسان‌ها تا جایی که امکان دارد.

با انگیزه‌ی مأموریت بزرگ، لیگونیر منابع شاگردسازی را در سراسر جهان و در قالب‌های چاپی و دیجیتالی به اشتراک می‌گذارد. کتاب‌ها، مقاله‌ها و مجموعه ویدیوهای تعلیمی معتبر به بیش از چهل زبان ترجمه یا دوبله می‌شوند. آرزوی ما این است که کلیسای عیسی مسیح را به واسطه کمک به مسیحیان حمایت کنیم، تا بدانند به چه ایمان دارند، چرا ایمان دارند، چگونه آن را زندگی کنند و چگونه آن را به اشتراک گذارند.

وبسایت خدمات لیگونیر:
<https://fa.ligonier.org>

ما از شما دعوت می‌کنیم که در رسانه‌های اجتماعی زیر به ما بپیوندید:
facebook.com/LigonierFA
twitter.com/LigonierFA
t.me/Ligonier_Farsi

چگونه از گناهت روی گردان شدی؟

تمامی انسان‌ها گناه کرده و احکام خدا را شکسته‌اند. هیچ کدام از ما نیکو نیستیم (رومیان ۳: ۱۰). و به خاطر گناه ما، خداوند حکم نموده تا توبه کنیم. اما توبه یعنی چه؟ در این کتابچه، دکتر آر. سی. اسپرول، با نگاه به زندگی چند شخصیت کتاب مقدس و چگونگی توبه‌ی آنها نمونه‌هایی به ما ارائه می‌دهد. دکتر اسپرول، توضیح می‌دهد که توبه‌ی واقعی صرفاً یک رفتار مذهبی یا تصمیمی برای بهتر شدن در آینده نیست. بلکه یک تبدیل روحانی است که در آن، ما از گناهان خود روی گردان شده و با ایمان به خدا روی می‌آوریم. مجموعه کتابچه‌های پرسش‌های حیاتی به قلم دکتر آر. سی. اسپرول، پاسخ‌های کوتاهی را به سؤال‌های مهمی که معمولاً توسط مسیحیان و پرسشگران متفکر پرسیده می‌شوند ارائه می‌دهند.



دکتر آر. سی. اسپرول بنیان‌گذار خدمات لیگونیر، پایه‌گذار کلیسای سنت اندرو در سن‌فورد واقع در فلوریدا و اولین رئیس ریفرورمیشن باپل کالج است. او نویسنده‌ی بیش از یکصد کتاب از جمله **قدوسیت خدا** است.